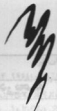


تئاتر و رمان فرانسه

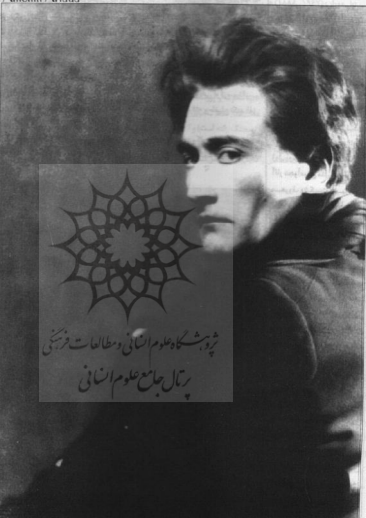
JEAN-CLAUD BERTON



در پیچه

Antonin Artaud

انقلابی در نمایش شکل می‌گیرد که نسبت به معمول سبک تئاتری امنای کمتری به پیش ادبی آثار دارد. برای وژاک کسویو (۱۹۴۹-۱۸۷۹)، بین دیگر معنای نیست که متنی را در آن از حفظ بخوانند. او می‌نویسد: «کارگردان که بین پرسوناژها پیوندی پیدا و پنهان، حساسیتی دوجانبه و راز و رمزی متناسب با روابط آن‌ها خلق می‌کند و بر آن‌ها حکومت دارد چنان‌چه از درام بهره‌مند نشود، اگر اثرش حتی به وسیله بهترین بازیگران اجرا شود او بیان متناسب را از دست خواهد داد». «لوتیه پوه، وگاستون باتی» یا «شارل دولن» تحت تأثیر کارگردان‌های درخشان خارجی تکنیک‌های جدیدی برای بازی، دکور، نور و موسیقی تدارک می‌بینند که به نمایشنامه‌نویس‌های آینده اجازه می‌دهد تا بهترین شرایط را برای ارائه آثارشان به دست بیاورند. پاریس مجموعه‌ای از نویسندگان خارجی را کشف می‌کند، از فلامان «گرومینگ» از اسکاتلندیان «ایسن» و «استریندربرگ». از آلمان «برتولت برشت» و از ایرلند «برنارد شو». یک زوج بازیگر که اصالت روسی دارند (چورچ و لودمیلا چیتواف) به اجرای آثار داستایوسکی، تالستوی، گوگول و چخوف می‌پردازند.



شهره‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آنتوان آرتو، نظریه پرداز تئاتر نو

Antonin Artaud

۱۹۰۶ - ۱۹۴۸

دریچه

وقایع نگارها

G ایده اصلی ژول رومن (۱۹۲۷ - ۱۸۸۵) در آغاز قرن بیستم بنیان‌گذاری جنبشی بیان کرده بود و اونانیسم (در این ایده شخص منزوی و دور از جامعه است). این ایده بیسبب پیدا می‌کند و در ۲۷ جلد کتاب به نام «اسان‌ها با حسن نیت»

(۱۹۴۷ - ۱۹۲۲) تنوع می‌یابد. ژول رومن در عین حال خالق آثار هجوآمیزی مثل نامباشامه معروف «شکست و پیروزی پزشکی» (۱۹۲۳) است.

نگساز رمان هشت جلدی «خانواده تیبو» از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۰ دروزه مسازن دوگساره (۱۹۸۵ - ۱۸۸۱) را به خود مشغول داشته است. این کتاب حکایت خانواده‌ای است گرفتار تندهاد حوادث. اخلاق بورژوا مابانه و مسیحی پدر (اسکار تیبو) در کشفاد با یکی از مساندانش (اک) قرار دارد. در حالی که پدر دیگوش (آنتوان) به سنت خانواده‌ای احترام می‌گذارد، رمان با شکست ایده‌آلیسم حساسیه‌ای و الهیات‌گرایی محافظه‌کارانه پایان می‌یابد. «جورج دو آمل» (۱۹۶۶ - ۱۸۸۲) علاقه کمتری به توصیف جامعه معاصر نسبت به تحلیل زندگی درونی داشت.



چنان به وحامت می‌گوید که راهی جز بستری شدن برایش باقی نمی‌ماند. او برافروخته و نفرین شده به سرزنش توان کرد. دچار می‌شود. در این دوران شور تریلیکی آسانی که با وسوسها و اضطراب‌هایش در ستیز است به اندازه بیماری جسمی که او را تحلیل می‌برد آثارش را سرشار می‌کند به طوری که بعضی از این آثار تبدیل به متن‌های بنیادی سوررئالیستی می‌شوند.

رشد خارق‌العاده رمان

بعد از مرگ مازسل پروست در ۱۹۲۲ از ایده بالترامیک «سپلر» که در رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» آن را از سر گرفته بود به شکل گسترده‌ای بهره‌برداری می‌شود. به مدد بعضی از این آثار که به شکل گسترده‌ای فراتر از چارچوب ساده رمان روان‌شناسانه قرار می‌گیرند می‌توان به منشا حوادتی که تار و پود تاریخ فرانسه را از ۱۸۸۹ تا ۱۹۴۰ تشکیل می‌دهند پی برد. این آثار تشکیل شکل جوامع را کشف می‌کند.

استادان نثر

بزرگ شاردون (۱۹۶۸ - ۱۸۸۴) اخلاقی‌گرای حساس، در روشن (۱۹۳۱) نشان می‌دهد که خوشبختی برای دو نفر به طور جد می‌تواند بر پذیرش بی‌چون و چرای روزمرگی است.
ویگ دولاکرتل (- ۱۸۸۸) در سلیبرمن (۱۹۲۲) و بازگشت سلیبرمن (۱۹۲۲) تصویری از یک جوان یهودی ارثه می‌دهد که در معرض پذیرش اندیشه‌های ضد یهودیت قرار گرفته است.
ویل موران (۱۹۶۷ - ۱۸۸۸) در سال ۱۹۲۱ با مشب سادق، همچون صاحب سبکی به ویژه برای هنر نو ظاهر می‌شود. او به واسطه شغلش که دیپلمات است در طول سفرهایش ارتباطهای زیادی با افراد و لاکاز متنوع برقرار می‌کند.
 ده سال شکست‌انگیز
 از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ با فاز کنار گرمات‌تاه و لولاین رمان‌های آندره مالرو اثر رمان دوره نوح را طی می‌کند. از بین همه نویسنده‌گانی که آثارشان دنبال می‌شود فقط یک نفر شانس ندارد: وایموند رادیکه (۱۹۲۴ - ۱۹۰۳) که در سن بیست سالگی به دلیل تب تیفوئید جان می‌بازد.
 رادیکه خواننده جوان استعدادهای ماریو، مالارمه و پروست بین ۱۶ تا ۲۰ سالگی. کتابهای شیطان تمام (۱۹۲۳) و مجلس رقص کنت اورگل (۱۹۲۴) را می‌نویسد. شیطان تمام ماجرای یک جوان و یک مرد جا افتاده را در سال ۱۹۱۸ نقل می‌کند (جوان عشق زنی می‌شود که شوهرش به جنگ رفته است) و کسی از این موضوع آگاه نیست. این سوزه رسوایی به بار می‌آورد. به عکس، در مجلس رقص کنت اورگل سوزه شاهزاده کلو از مادام لافایت و ژانک دره یازگار از سرگرفته می‌شود. رادیکه در این اثر زنی را نشان می‌دهد که عشقش را قربانی وظیفه می‌کند.

دریچه

او کتاب پنج جلدی زندگی و ماجراهای سالون را از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۲ می‌نویسد. سرودی که عظمتش را در پذیرش استعمال سی‌باید. از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵ او وقایع خانواده یاسکیه را در ده جلد می‌نویسد. در این اثر شاهد هستیم که نامانی پندر (رایموند یاسکیه)، خودخواهی و تنگ‌نظری پسرها به وسیله بزرگ منشی خواهرشان سسیل، مسوئیتی‌دان پسر احساس و اینده‌ایسم برادرشان دوران چسبران می‌شود. دو اصل در خانواده یاسکیه مثل خانواده تیبوی به تحلیل نسلی می‌پردازد که با وقوع جنگ مسخ شدن آن‌ها تسریع می‌شود.

از رمان تا تئاتر

طی این سال‌های پرزوار، رمان گاهی جریان مهم و باشکوهش را می‌گیرد و گاهی در مسیرهای جنود می‌درخشد. بعضی از رمان‌نویسان تئاتر را آزمایش می‌کنند (نژاد موریکو، پرتویوگرن، رمان‌های مونترلان نسبت به نامیشتام‌هایش برتر است. فقط ژرارد است که با موفقیت هارمونی بین هر دو ژانر را تحقق می‌بخشد.
 ژان کوکتو و استعدادهای متنوع

Jean Cocteau

1889 - 1963



ژان کوکتو عمیقاً شاعر است. شعر شاید مخرج مشترک همه استعدادهایی است که طبیعت در وجود او به ودیعه نهاده است. رمان‌نویس، سناریست، نقاش و - او فرزند زمان خویش است. زندگی‌اش در پاریس ۱۹۰۰ شروع می‌شود که او آن را خیلی خوب در هیرتزه - خاطره ترسیم می‌کند. او همراه آبولینو با نقاش‌های کوئبست معاشرت دارد. درحالی که شعر بدون اراده را پیش از سوررئالیست‌ها کشف کرده است. و به این ترتیب تا زمان بازنشستگی‌اش در نیلی - لا - فوره در کورت دزور اقامت می‌گزیند.
دیگرگونی‌های شعر
 شعر غنایی او در جنگ‌هایی مثل سرود مذهبی (۱۹۲۵) یا اپرا (۱۹۲۲) منتشر می‌شود. بدون شک او تحت تأثیر رادیکه بازگشتی کاملاً کلاسیک به شعر خویش دارد. بعد از این که به عنوان پیغام مطرح می‌شود.
 در بین رمان‌هایش باید «پوتوماکه» (۱۹۱۹) را به خاطر سپرد. در این اثر نثر، طرح و رمان تئویوگرافیک به شکلی مدرن در هم می‌آمیزند. ادامه این رمان به نام «سراجان پوتوماکه» در سال ۱۹۳۹ منتشر می‌شود. «شعراک بزرگ» (۱۹۲۲) و

تم Jocast

G مادری با پسرش ازدواج می‌کند خلاصه تراژدی یونانی «ماشین جهنمی» در تراژدی معاصر «والدین وحشتناک» و مسیان آن چیزی است که بر مادری مسلطه طلب حکومت می‌کند. ملودرام باستانی یا امروزی همان قدر در دنیای کوکتو نقش بازی می‌کند که در رسالتسم رو به زوال و عقاب

به‌ویژه به‌هم‌های سرور (۱۹۲۹) بیشتر از این که تصویر از جوان آزاد شده بین دو جنگ باشد لس‌مورشناسی شخصی کوکتو را به تصویر می‌کشد.

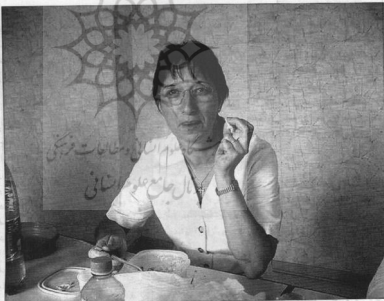
در شعر - تئاتر از لس‌مورهای کلاسیک (آنتیگون، لورده، لودیپ) و موضوعات جاوداتی عشق و مرگ (زومتو و ژولیت، رونو و آرمید) با تنوع کامل استفاده می‌شود. او زبانی به قهرمانان باستانی و قرون وسطایی وام می‌دهد که تعارض آن‌ها را به شکل امروزی‌تر ارائه می‌کند. او با هوشیاری اسلانی مدرن از مکانیسم ترازده‌های یونانی پرده‌برداری می‌کند (ماتین جهنمی ۱۹۳۴). ژان کوکتو با موسیقی‌دان‌ها همکاری می‌کند، نقاشی می‌کند، طراحی می‌کند. شاید فوران استعدادهاش اهمیت و عمق آثارش را پنهان کرده باشند. دشواری بودن که او در یکی از کتاب‌هایش از آن سخن می‌گوید تحت تاثیر سلسله شتاب‌آلودی از احساسات جان‌دار و متعوق و بازی‌های قدیمه پنهان می‌شود.

وحدت گذشته کوکتو شاید از ساختار ترازده‌های سرچشمه می‌گیرد که زندگی ما را تشکیل می‌دهد. در شاهزاده سیکسره، او را متهم می‌کنیم که همه سبک‌ها را دنبال می‌کند. اما کوکتو از میان سبک‌ها، به وسیله رمان، تئاتر، فیلم یا فرسک در جستجوی حقیقت درونش است. باید استعداد کوکتو را در حوزه گرافیک نیز خاطر نشان کرد. آثار او به عنوان طراح و نقاش همان‌گونه که فرسک‌های کلیسای هویل فرانتس - سور - مره یا همالی - لا - فوره گواهی می‌دهند روش دیگری است که او برای بیان دنیای درونی‌اش به آن جنگ می‌اندازد.

کولت با عشق زندگی

Colette

1873 - 1935



در میان زمان‌نویس‌های نخبه بالاخره یک رمان‌نویس معتبر زن هم سر برمی‌آورد. کولت به طور کامل خودش را با نسل مردانی که به نظر می‌رسد قدرت ادبیات را در دست دارند می‌آمیزد. او بدون تفکر زن بودنش اتفاقاً از فضیلت‌های خاصی زنان تمجید می‌کند و در کتاب‌هایش ادراک، بله‌ام، را به شانس می‌گذارد که دیگر هم معنی شفاف نیست.

دریچه



دوسره (۱۹۲۶). همین تم‌ها در آثار سیمینای کوکتو جریان دارند؛ وظیفه شاعر (خون شاعر ۱۹۳۰). آینه‌هایی که به آن دنیا و فرشته‌های مرگ مرتبط هستند (لورسه ۱۹۵۰). انسون‌های خیالی قصه (زبیا و احسق ۱۹۴۵). پایداری اسطوره‌ها (پارگشت جاودانی ۱۹۴۳).

آبی مثل روح

کولت است که همه چیز آبی است؛ موی گرینه‌ها، نگاه گل‌ها، مدیترانه و آسمان، نوع گذرانش و گسختگی زندگی احساسی‌اش پیش‌روی روحتش را نه متوقف کرده‌اند و نه حتی آهسته کرده‌اند. صعود او به

خانه به دوش

کولت که اصلیتی بزرگونی دارد در آغاز قرن به وسیله لوبین شوهرش ویلی به طبقه تشریف یاریس راه می‌یابد. در ۱۹۱۰ از ویلی جدا می‌شود و بلافاصله با هائری دو ژو وکل سردبیر روزنامه لومانژ ازدواج می‌کند. روزنامه‌ای که در سال ۱۹۱۹ مدیریت ادبی آن را به عهده می‌گیرد. امابه زودی او از شوهر دومش هم جدا شده و با زندگی موريس گود سهیم می‌شود و بقیه زندگی‌اش را بن اپارتمانش در پاره رویال (در آن جا همسایه ژان کوکتو است) و ویلایش در سن - تریبه می‌گذراند که نام زیبای La troille muncato را بر آن می‌گذارد.

در ۱۹۲۵، در آکادمی زبان و ادبیات فرانسه بلژیک جشنین آنکژونی شده و به عنوان رئیس آکادمی گنگور برگزیده می‌شود. (آکادمی بلژیک پیش از آکادمی فرانسه جرأت پیدا کرد درهایش را بر روی انجیلین زن باز کند)

کولت که حق دارد از پنج‌دهاش در پاره رویال تشویع جنازه‌های ملی را تماشا کند قلمش را روی کفشد رنگی که گربه آن را چنگ زده به حرکت درمی‌آورد و آثارش را زیر روشنایی آبی چرخشش که آن را خلتوس می‌نامید خلق می‌کند. از دختری جوان تا زنی جاافتاده و در زمان‌هایش به بورسی روح رنگینی - ارتعاش با تئوئی مردها و بیشتر از آن به رابطه‌اش با زندگی می‌پردازد. فهرمان زن در داستان‌های او لراده و عشقش از موجودیت خود به نمایش می‌گذراند و بدون کمک کسی به رفق و شفق امور خود می‌پردازند. چیزی که در آن دوره مرسوم نبوده است.

کوکت پورشانی‌های زنی را بیان می‌کند که در نوجوش تقیا شده است (همدم مارس ۱۹۳۳ و به زنی که به وسیله دون ژوانیسیم مردها به یاس گزیده است. (تولد روز ۱۹۲۸) در شری (۱۹۲۰) و سولگنام شری (۱۹۲۶) او کمتر به توصیف مردی خوش سیمای و لایق و بیگاره می‌پردازد تا زن جالاندهای (نساء) که شاید آخرین هوس مرد باشد در حالی که مرد احتمالاً آخرین عشق زن است.

آندره ژید؛ تناقض‌های درونی

Andre Gide

1869 - 1951

آندره ژید در طول نیم قرن در مرکز زندگی روشنفکری معاصر ضروری فعال دارد. او که پایه‌گذار مجله نوبل دوو فرانسوزه است زندگی‌اش را مشتاقانه صرف نشر آثار ادبی و جستجوی استعدادهای جوان می‌کند. او با همه نویسندگهای فرانسوی و غیر فرانسوی که همچون خودش اندیشه‌شان بر حوادث آن دوره اثر گذار است ارتباط دارد. ژید سهیم به سزایی در شناساندن دستاویسکی، کالفاک و زمان‌نویس‌های آمریکایی در فرانسه دارد. در سال‌هایی که جنگ جریان دارد غیرمطمئن فرکراری فطری‌اش که از او تئوئی بیگارچو ساخته است. درگیر مسائل سیاسی می‌شود که ناگهی بزرگی برایش به همراه می‌آورد.

اندیشه‌اش با جریان طبیعی حوادث تغییر می‌کند اما در سراسر زندگی و آثارش به جستجویی خودش است و بر آن اصرار دارد. طغیان ژید که با اصلیتی نمی‌دقتان، نمی‌بوروژ کاتولیک از طرف پدر و پروتستان از طرف مادرش. به طور همزمان در آسایش و در مشقت‌آمده است. پیش از همه متوجه تماشاهايش با خانواده‌اش می‌شود. نظم ریاضت موجب می‌شود تا او

دریچه

سوی آرامش با چشم بستن بر
پوچی‌ها و عشق به حیوانات و
طبیعت تکمیل می‌شود.

احسانه حیوانات و حیوانات

از نظر کولت حیوانات روح دارند. در گفت‌وگوی حیوانات، (۱۹۰۳) و در (گربه) (۱۹۳۳) او چنان دقیق به زندگی درونی گربه‌ها و سگ‌ها نفوذ می‌کند که احساساتی را که به آن‌ها نسبت می‌دهد باورپذیر می‌کند. او در عین حال درختان و گیاهان را خوب می‌شناسد: (سزات عاشقانه ۱۹۰۷)، (بچه‌های ژر ۱۹۰۸)، (سید و ۱۹۲۶). هیچ چیز از نگاه کولت نمی‌گریزد گویا که او باغبان یا شکارچی پرنده‌هاست. آنچه کولت را به یکی از نویسندگان بزرگ قرن بیستم تبدیل می‌کند دغدغه بیان و استعداد خارق‌العاده‌ای است که او برای درک مفهوم پنهان موجودات و اشیاء از خود بروز می‌دهد.



دربچه



مجله nrf

G مجله nrf یونسفان

مهم نسل ۱۹۲۰ را معرفی

می‌کند در ۱۹۰۹ به وسیله ژید،

ژان ایش لوسبروزه، ژک کوبو و

هانری ژنون پایه‌گذاری

می‌شود. چاپ مجله nrf به

وسیله کتاب‌فروشی گالیمار

تحت مدیریت گاستون گالیمار و

بسرافراش انجام می‌گیرد.

کتاب‌فروشی و مجله چاپگاه

همی را در زندگی ادبی قرن ۲۰

اشغال می‌کنند.

برای گروهی که اطراف آندره

ژید حلقه زده بودند پیش از هر

چیز چنگین با سینه عنصری

و کیفیت بخشیدن به آثار هنری

به طریق تہذیب و اخلاق مطرح

بود.

شہوت جویی زود هنگام را به زحمت پس بزند و به مبارزه با تربیت‌اش برخیزد. او بی‌زاری‌اش را از خانواده‌هایی که افکار و انگیزه‌های فرزندان‌شان را حبس می‌کنند اپراز می‌دارد.

ژید در سال ۱۸۹۷ ضمن معاشرت با سیمبولیست‌ها، ملاقات‌های زمینی را منتشر می‌کند. در او سال ۱۹۳۵ ملاقات‌های جدید

ادامه آن است.

جزوه واقعی تربیتی که آندره ژید به خوانندگانش معرفی می‌کند سرود پرشوری در وصف زیبایی است. اما این آزمون از خوشی و لذت است که ارگه می‌شود. ژید سیل رفتن را تزییب می‌کند؛ فرقی نمی‌کند به کجا رفتن از خانه‌ات. از اثبات یا اندیشه‌ات. او با

نثری تفرئی و جذاب می‌نویسد، و از روحیه یاداری در برابر وسوسه‌ها تمجید می‌کند.

در ملاقات‌های زمینی؛ است که ژید فریاد می‌زند: بخوادامان از شما بیزارم؛ کینه‌ای که همه زمان‌هایش را در بر گرفته

شد اشلاق Immoraliete ۱۹۰۲ آغاز می‌شود که قسمه سرد جوانی است که از رنگ‌های اجتماعی بیمار شده و سلاطین‌اش را در

پناه بردن به اخلاق بازی می‌یابد.

اعتراف در ۱۹۰۹ مدر تکه‌های تیره و تأثیرگذار نوجوانی

ژید را بازسازی می‌کند. قهرمان داستان (الیسا) کسی چیز

دختر عمومی ژید (مادلن) نیست که در سال ۱۸۹۵ با او

ازدواج کرده است. عشقی که ژوزوفه و والیسه را پیوند

می‌دهد از ترحم آن‌ها باور شده است. در حالی که ژوزوفه از

احساساتی که او را به نامزدش نزدیک می‌کند به همچنان

می‌آید. والیسه چیز در این فکر نیست که با چشم‌پوشی از

این احساسات متقاضی‌شان را تمای بیخشد و از مدر تکه به

سوی خدا برود. اما او فقط موفق می‌شود که زورم را از خود

جدا کند.

اعتزلی که بر لبان ژید است در آثارش رخنه می‌کند و در

واکر دله نمیره، ۱۹۱۹ درباره همجنس‌بازی سخن می‌گوید:

همجنس‌بازی او را از خانواده‌اش جدا کرده و باعث مخالفت

با تربیت منحصی‌اش شده است و در زندگی زناشوی‌اش نیز

تبدیل به یک درام دلخراش و بی‌سرانجام می‌شود.

همی بی‌دلیل ژید بعد از قسمه فلسفی Paulos و همچوبه

آبرومنه مریش در زحمت آثار رمان‌اش را با فیروزمین‌های

و تپکان (۱۹۱۴) آغاز می‌کند؛ در این کتاب لافکادیو موجود

آزادی است که از خانواده‌اش بریده است. او با آزادترین اعمال از آثاری‌اش بهره می‌گیرد و مرکب قتل بی‌دلیل و انگیزه

می‌شود. این ایده در سنکسازان (۱۹۲۴) بی‌گفته می‌شود. هر این کتابه عمل بی‌دلیل به همان اندازه که خیالی بزرگ. مشتاق

است بدون اساس ظاهر می‌شود و به مثابه مجازاتی بی‌کارانه و قسری گزیده جلوه می‌کند. سنکسازان در طول سفاهت‌س با

به‌کارگیری تکنیک رمان در رمان پرسونازهایی خلق می‌کند که نویسنده آن‌ها را به رویارویی با ماجراهای‌شان می‌کشاند. در این

اثر قهرمان بر جود ندارد. ژید با به‌کارگیری مثال‌های متعدد می‌خواهد بسادگی جامعه متقلب را همچون کمندی انسانی به

تصویر بکشد؛ هر کسی با حقیقت تقاب می‌کند. هر کسی دروغ می‌گوید هر کسی برای بعهدت آوردن پول حقیقت دروغینی از

خود می‌سازد. فقط برناره زنا زاده ایدمال اخلاقی ژید را بیان می‌کند؛ او نمی‌خواهد آن چیزی جلوه کند که نیست. ضد رمان

حجرت‌نگیزی که در این اثر به‌کار گرفته می‌شود برای آن دوره به طرز شگفت‌انگیزی تو تلقی می‌شود چرا که همه تکنیک‌های

سنٹی را در هم ریخته است. سنکسازان با بیان تضاد بین نسل‌ها، بایعهای اخلاقی، اضطراب‌های دوره نوجوانی و توهم لذت‌ها

خودش را به عنوان آتری آموخته معرفی می‌کند.

تهدید ژید در ۱۹۲۷ به‌کنگو می‌رود. او فرم‌های استعماری را برای آن جا توسعه می‌کند و از فرقه‌گرایی‌اش برای گشودن گرمای



آزادی است که از خانواده‌اش بریده است. او با آزادترین اعمال از آثاری‌اش بهره می‌گیرد و مرکب قتل بی‌دلیل و انگیزه می‌شود. این ایده در سنکسازان (۱۹۲۴) بی‌گفته می‌شود. هر این کتابه عمل بی‌دلیل به همان اندازه که خیالی بزرگ. مشتاق است بدون اساس ظاهر می‌شود و به مثابه مجازاتی بی‌کارانه و قسری گزیده جلوه می‌کند. سنکسازان در طول سفاهت‌س با به‌کارگیری تکنیک رمان در رمان پرسونازهایی خلق می‌کند که نویسنده آن‌ها را به رویارویی با ماجراهای‌شان می‌کشاند. در این اثر قهرمان بر جود ندارد. ژید با به‌کارگیری مثال‌های متعدد می‌خواهد بسادگی جامعه متقلب را همچون کمندی انسانی به تصویر بکشد؛ هر کسی با حقیقت تقاب می‌کند. هر کسی دروغ می‌گوید هر کسی برای بعهدت آوردن پول حقیقت دروغینی از خود می‌سازد. فقط برناره زنا زاده ایدمال اخلاقی ژید را بیان می‌کند؛ او نمی‌خواهد آن چیزی جلوه کند که نیست. ضد رمان حجرت‌نگیزی که در این اثر به‌کار گرفته می‌شود برای آن دوره به طرز شگفت‌انگیزی تو تلقی می‌شود چرا که همه تکنیک‌های سنٹی را در هم ریخته است. سنکسازان با بیان تضاد بین نسل‌ها، بایعهای اخلاقی، اضطراب‌های دوره نوجوانی و توهم لذت‌ها خودش را به عنوان آتری آموخته معرفی می‌کند.

دریچه

سهایی را به تمامی دست بر مراد دارد. او انسانی است که از واقعیت‌های روزگارش آگاهی می‌یابد و در ۱۹۲۲ همراه با آندره مالرو کنگره جهانی صلح را سرپرستی می‌کند. در این دوره او در کمونیسم دکتورین نوع‌دوستانه‌ای متناسب با اهداف انسانی خود می‌یابد. اما در سفرش به اتحاد شوروی (۱۹۳۶) کتابی به نام مبارزگشت از شوروی چاپ می‌کند که در آن سرکوبی‌های رژیم استالین را به روشی می‌کند. این کتاب خشم کمونیست‌های فرانسوی را برمی‌انگیزد.

انسان‌گرایی زید مسلماً نقش بازی نمی‌کند. او می‌خواهد همچون آگلو و مرادش هونتینی، به رسالت انسانی‌اش سرگرم باشد. عمل کند و تحت تأثیر ذاتی تربیت‌ش شگفتی می‌آفریند و آن‌چه از خویش‌شن کشف می‌کند، می‌آموزد او در برابر مکتشفات ادراک ما اظهار شگفتی می‌کند. مثل جوان کوپر سمفونی پاستورال (۱۹۱۹) که نمایان‌یاش را به وسیله تغییر جبرون می‌کنند از کسائی که چشم دارند و نمی‌توانند ببینند انتقاد می‌کنند.



Alain Fournier



Jacques Riviere

زید دکتورین لذت طلبانه‌اش را که در مائده‌های زمینی ابراز کرده بود یوی می‌گیرد و خشویختی‌اش را با ماضی‌گرددن آن برای همه یی می‌گیرد. آیا او به پیمایش که شامل همه‌عهده گرفتن عملی‌ترین انسانیت‌ها بود وفا کرده است؟ گاهی به‌نظر می‌رسد خودخواهی‌ای که خودش را با آندره به آن تساهم می‌کند افکار

کرده است. روزنامه‌های (۱۹۳۹-۱۸۸۹) که در سن ۲۰ سالگی به چاپ می‌رسد گود بر فعالیت خستگی‌ناپذیری است که برای خدمت به دیدش و فرهنگ دارد. او با روشن‌بینی بر همه‌شعاعی درینش حکومت می‌کند و به این طریق فرصت می‌یابد تا با لذت وضعیت انسان‌ها می‌پردازد. او با روشن‌بینی او تا تسلیح ایدمآل ارتقا دهد.

جوبی بیکار کند و فرهنگ ذاتی‌اش را تا تسلیح ایدمآل غیرتند از رگ‌ریزید و آن بولان و مونسلی ارتقا دهد. رگ‌ریزید و مونسلی ارتقا دهد. رگ‌ریزید و مونسلی ارتقا دهد.

شخصی که بعداً مجله را جان بخشیدند عمدتاً عبارت‌اند از: رگ‌ریزید و مونسلی ارتقا دهد. رگ‌ریزید و مونسلی ارتقا دهد. رگ‌ریزید و مونسلی ارتقا دهد.

دسامبر (۱۹۲۵-۱۸۸۶) روان‌شناس تیزبین و دقیقی است که درباره اکتشاف خمیر ناخودآگاه کتکتو است. او به بودلر، کتول و زید علاقه‌مند است. دبیر هیات تحریریه nrf از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸.

بولان (۱۹۶۸-۱۸۸۲) از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۰. nrf همکاری می‌کند. او در نهضت مکتب‌گرا شرکت می‌کند و روزنامه‌های مخفی lettres Francaise تأسیس می‌کند و مدیریت nrf را از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸. مدیریت مجله nrf از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۸.

مارسل ارلان است که در ۱۹۷۷ به شکل خستگی‌ناپذیری بولانی مجله را حفظ می‌کند. باند یادآور شد که چاپ nrf از ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۲. در وقته می‌نفتد و موقتاً تحت نام اشغال توسط درویلا دولش اداره می‌شود.

از این منتقدانی که به nrf همکاری می‌کنند باید نام آلبر تیوده (۱۹۳۶-۱۸۷۲) را به خاطر نیرد او به‌ویژه در تمبیز جبران‌های ادبی خبره است. تیوده در مقالات و کتاب‌هایش فرهنگ گسترده‌ای را لغامه می‌دهد و به جستجوی همزمان بهیجان خلاقه مداوم در نویسنده و جریان تاریخ می‌پردازد. او در اثری مهم به نام شرح اصیفات فرانسه از شاتو بریان تاواریه آگاهی از گذشته تاریخی را همچون رشته راهنما به کار می‌گیرد.

G nrf طبق سنت مجلات سمبولیستی پیش از همه خود را وقف دفاع از نقد می‌کند. این موضوع بصران ایجاد می‌کند. عده‌ای ادبیات را محسول صرفاً مهارت می‌دانند نظیر فلانک و لاتسون. عده‌ای دیگر از آن برای تقویت مشاعرهای قلمی (یکی) و یا اعمال محافظه‌کارانه (موراس) استفاده می‌کنند. بعضی‌ها هم نقد را بهانه‌ای برای فرموله کردن سلیقه‌های‌شان می‌بینند.

nrf در عین حال وظیفه‌ای دوگانه دارد: به وقایع نگاری روزانه و نوشته‌های خواندنی اولویت داده می‌شود بدون این که در چاپ آثار منتشر نشده. زمان‌ها شعر یا رساله‌ها وقفه ایجاد شود.



Jean Paulhan